جمعیت اسلامی ، حرکت انقلاب اسلامی وحرکت اسلامی هم اشتراك داشتند . روز عملیات ۲ سرطان ۱۳۵۸ تعیین وقرار برین شد تا این عملیات با انفجارهای متعددی دریك زمان درتمام نقاط شهر کابل آغاز گردد. این بمهای ساعتی راعمرجان شهید ساخته بود (۱) .

بیانیه که بعد از پیروزی از رادیو پخش میشد نیز ثبت شده بود . اما یکی از بمها که قرار بود به ساعت ۱۰ صبح منفجر شود درمنطقه درنزدیك پل باغ عمومی پیش از وقت منفجر شد دراثر ان سراسیمگی ودهشت درمنطقه مستولی گردید خلقیها بهرطرف گریزان شدند . دولت تمام راه های مهم را درنقاط شهر مسدود ساخت .

قسمت بعدی این واقعه را مجاهدین دیگر این طور بیان میکنند، درحالیکه این قیام یکحرکت منحدود به چند اول نبوده وهدف ان از پا درانداختن رژیم

---

۱) عمرجان شهید درواقعه چنداول سهم بارزی داشت ودر همین قیام بشهادت رسید .

کمونیزم درکشوربود مجاهدین حمله برماموریت پولیس چند اول را بحیث مهرهٔ مهمی درپیشبرد امورمربوط به این قیام میپنداشتند .

یکروز پیش ازآغاز این قیام گردانندگان آن مطلع شدند که عمال رژیم کمونیزم درصفوف ایشان رخنه وارد کرده واسرار پلان شانرا بحکومت افشاء کرده اند وبنا بران بعموم شبکه های خود امر صادر کردند تا از تطبیق پلان مربوط به آغاز قیام خود داری ورزند. ولی ایشان نتوانستند این هدایت را به گروهی صادر کنند که موظف به آغاز قیام درناحیه چنداول بودند شخصی که موظف به انجام حمله برماموریت پولیس چند اول بود میگوید :

مجاهدین مطابق به پروگرام درست بساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲ سرطان ۱۳۵۸ برماموریت پولیس چند اول حمله بردند ، درداخل دروازهٔ ماموریت چهار نفر پولیس مسلح با کلاشنکوف نشسته بودند یکی از مجاهدین تفنگچه اش را بالای سینه یکی از پولیس ها گذاشته به او گفت :



" ما مسلمان هستیم تسلیم شو! " او ودیگر همراهانش بلا درنگ دستهای شانرا بالا کردند ویک مجاهد دیگر این چهار پولیس را خلع سلاح کرده دریس وقت مجاهدین دیگر رسیدند ونعره الله اکبربلند شد کسانیکه با کلاشینکوف های غنیمت مسلح بودند در مدخل ماموریت پولیس شروع به پاسبانی کردند و دیگران داخل ماموریت شدند . در داخل ماموریت تمام پولیسها فی الفورتسلیم شدند صرف یک ضابط خلقی ازتسلیم شدن ابا ورزید که بجزای عمل خود رسید . سپس خود پولیس های ماموریت دیپوی اسلحه را باز کردند وازانجا ۲۰۰ میل سلاح مرکب از ماشیندار کلاشینکوف وتفنگ ۳۰۷ بدست مجاهدین افتاد که ان را میان خود تقسیم کرده وبجاهائیکه بر ایشان دستور داده شده بود اخذ موقع نمودند .

اجتماع مردم نیزدراین وقت دراطراف ماموریت پولیس خیلی زیاد شد . مردم شعارمیدادند " مرگ بر تره کی . " مرگ برروسیه " زنده باد اسلام "

واین شعارها که با نعره های کفر ستیز الله اکبر توأم بود شهر کابل را بلرزه در اورده بود .

یك شاهد عینی دیگر میگوید : " تانکهای غولپیکر با توپهای ثقیل اطراف برادران مجاهد را محاصره کرده بود کمونستها به انداخت توسط توپ وتفنگه شروع نمودند وموترهای گزمه با تانك های محاربوی بحرکت در امده بیرحمانه به کفتار شروع نمودند . کمونست ها برهرکس فیرمیکردند ازپل ارتسل تا پل محمود خان وپل باغ عمومی تحت محاصره قوای دولتی قرارگرفت ومرحوم عمر شهید با یك تعداد هم قطارانش به شهادت رسیدند . درمقابل مغازهٔ قاری امان نوائی درفنا دربشتون وات دشمنان درموترهای سر باز وتانکهای محاربوی درمیان مردم که اکثر برای بسها انتظار داشتند فیر نمودند ، ودر قسمت های مختلف شهر به تلاشی موترها ومردم شروع کردند ،یك تعدادزیاد مردم را بدون استناد به موترها انداخته به جاهای نامعلومی بردند . "

درخود چند اول اوضاع وخیم تر شده میرفت. حکومت کابل با تعدادی از تانکها وعساکر پیاده اطراف ماموریت پولیس آنجا رامحاصره کرد ودرآغاز اوضاع راازدور نظاره میکرد . بعد تانکها نزدیک شده شروع به مقابله کردند . مجاهدین راه اسلام باشهامت تمام به مقابله دوام دادند . بالاخره حکومت دست نشانده قوه تازه نفس راپیاده کرد که مسلح باهاوان ها بودکه باانها ماموریت راتخریب کردند ومجاهدین مجبور به عقب نشینی شدند. دریک طرف ماموریت تانکهائی مستقر بودند که درحقیقت مطابق به پلان اول میبایستی با مجاهدین همکاری میکردند. درنشان همین تانکها به مجاهدین موقع دادند از منطقه بدور شوند.

حکومت طی ابلاغیه که بتاریخ ۲ سرطان از رادیو کابل و۳ سرطان درجراید نشر کرد قیام چند اول را یک حادثه کوچک ومحلی خواند که بقول آن رادیو ازطرف " رهبران متعصب ایران وعناصر خاین بوطن " براه انداخته شده بود . اعلامیه حکومت کابل ادعا

گردکه‌شاملان حادثه بهمکاری‌خود شهریان کابل ازطرف قوای امنیتی ازبین‌برده شدند. ولی قدرمسلم این بود که درهمان روزحکومت لااقل سه صدنفررا بقتل رساند .

چنانچه دیده میشود قیام چنداول به‌هیچ صورت یک واقعهٔ محلی یا رویدادی نبود که ازطرف یک گروه خاص پی ریزی گردیده باشد. ولی حکومت تفرقه انداز کمونستی ازآن بحیث یک بهانه‌برای قتل عام . هزاران فرد جوان هزارهٔ کشور کارگرفت. این‌حکومت یکتعداداز جاسوسان ادارهٔ استخبارات‌خود راکه درآن وقت " اکسا " یا دمیشدواموروزآنراخاد میگویند .بسرکرده‌گی عبدالستار که‌ازاهل‌موسی قلعه بود موظف گردانید تاجوانان هزاره رادعوت کندکه بحیث مزدکاردربرابر ۲۰۰ـ افغانی اجوره درهرروزدرپرژوه هایتعمیراتی پلچرخی‌درموترهای لاری نشسته بمحل کاربروند. دریک روزاین‌مردم خونآشام ۲ـ الی۳ـ هزاربرادرجوان هزاره. ودیگربرادران ماراب‌ه این بهانه درلاری‌هاگرد آورده آنهارابسوی کشتارگاه. پلچرخی بردند وبقتل رسانیدند .

شرح واقعه بقلم یکی از جوانان مبارزی که خود در قیام چنداول سهم گرفته بود.

" از روزها قبل چشم براه آنروز بودیم سحرگاه ۲ سرطان سال ۱۳۵۸ تازه از خواب برخاسته بودم که زنگ درب خانه بصدا درآمد وکسی بسراغ من آمده بود او یکی از دوستان نزدیک من وازکسانی بود که درکابل درفعالیت های ضد کمونستی سهمی بارزوباجبهات بیرون ازکابل ارتباط مستقیم داشت. برایم مژده داد که روز عمل رسیده است و ساعت ۹ صبح باید درجاده میوند حاضر باشیم. ازخوشی درلباسهایم نمیگنجیدم فکر می کردم پرنشاط ترین لحظات زندگی ام فرارسیده باشد فوراً غسل کردم وبدون آنکه حرکت غیرعادی ازمن سر بزند چای را با اعضای خانوادهٔ خود خوردم وازخانه بیرون شدم وقت تراز ساعت تعین شده بمحل موعود رسیدم. برادران را دیدم وباهم به رستورانی که متصل ماموریت پولیس چنداول بود بالا شدیم. چای

فرمایش دادیم ومنتظر فرماندهي نشستیم ٠ تازه چای رسیده بود که یکی از همرزمان از پائین امد وبا اشاره ای مارا فهماند تا از رستوران بیرون شویم٠ پول چای ها را پرداختیم وباوجود تعجب هوتلی چای نخورده با شوروشتابی زاید الوصف از رستوران بیرون شدیم ٠ما باچهار بوتل مولوتوف کوکتیل (بمب پطرولی) مسلح بودیم ٠ این بم ها رادریک دستمال گل اناری پیچیده بودیم ومن آن را در دست داشتم٠ دسته جمعی با نعرهٔ اللّه اکبر بماموریت بالا شدیم وبا استقبال برادران پولیس روبرو شدیم ٠ شعارها و عکس های ترکی راا ز دیوارها کندیم ٠ درین میان برادران با احساس ماموریت پولیس با شور اسلامی سلاح کوت را بروی ما گشودند وما را با تفنگچه وماشیندار خفیف ومرمی مسلح ساختند ٠ بخاطر تأمین امنیت داخلی یک تعداد ا ز پولیس ها ئیرا که غیر عادی ومشکوک بنظر میخوردند دریکی ا زاطاق ها ی ماموریت محبوس کردیم ولی یک تعداد ا زبرادران پولیس بسیار صمیمانه با ما همکاری نمودند ٠ یکی ا زان ها زخمی شد ٠عملیات

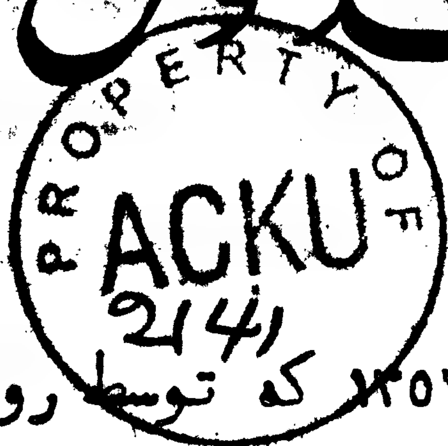
را که ساعت ده روز شروع کرده بودیم ادامه داد یم۰ دوعراده تانک ازمقابل ماموریت با بیرق های سفید صلح وهمبستگی گذشتند واین برای ما قوت قلبی بود ۰ چند لحظه نگذشته بود که شش تانک دیگر امدند و ماموریت را درمحاصره کشیدند ومتعاقب انها یک هلیکوپتر توپدار رسید که درهوا برفراز ماموریت قرار گرفت ۰ آتش دسته جمعی تانک ها ، هلیکوپترها وعساکر زمینی بالای ماموریت شروع شد ۰ ما به مقاومت پرداختیم وبا قدرت ایمان بخدای یگانه دوساعت ونیم درمقابل قوای دولتی مبارزه کردیم ۰ الله اکبر و حسبنا الله نعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ورد زبان وقلب ما بود ودران لحظات بود که مرگ در راه خدا (ج) را باآغوش باز ولب پرخنده قبول داشتیم ۰آری درهمین وقت بود که مرگ درراه ایمان ذلیل شده بود و هدف برتر ازهمه چیز جلوه میکرد۰ پلان وسیع ومکمل تطبیق شده نتوانست ودوام عملیه سودی به بار نمیاورد۰

من درطبقهٔ سوم موظف بودم هلیکوپتر بمبی انداخته وچهل پنجاه سانتی متر جلوبام از سقف

تا کف اتاق همه لمبید ولی از حالیکه بلطف خـدا بـه ما آسیبی نرسید ، دوتن از برادران کـه وظیفه محافظت دروازه ورودی را بعهده داشتند شهید شدند . روح شان شاد و یاد شان گرامی باد .
دراین حالت مجبور بودیم تصمیم بگیریم که آیا مقاومت را ادامه دهیم یا تسلیم شویم .
درصورت مقاومت اثری از هیچ یك از ما نمیماند وهمه دسته جمعی از بین میرفتیم . درصورت تسلیم شـدن دو امکان موجود بود :
۱ـ امکان داشت ما را بعد از شکنجه های زیاد از بند بند جدا کنند ،
۲ـ امکان داشت بیاری خدا روزی آزاد شده یا فرار کرده ودرصف مجاهدین بپیوندیم . تصمیم برین شد که خودرا تسلیم کنیم . زیرا درین صورت یکی از امکانات آن بود که باز درجهاد فی سبیل الله اشتراك کنیم ، اگـر چه امکان از بند بند جدا شدن زیاد ترموجود بود .
حالت عجیبی بود واحساس عجیبی . یکی از برادران صدا کرد :

بسم الله الرحمن الرحیم

قیام چنداول



توام با وقوع کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ که توسط روسها براه انداخته شد در امور واوضاع کشوردوواقعیت عمده پدیدارگردید :

۱) پیروی دولت دست نشانده از اصول کمونستی که درنهاد خود ضد دین وبالخاصه اسلام است .

۲) عدم کفایت دست اندرکاران این رژیم در اجرای امور کشور .

همینکه کمونستهای دست نشاندهٔ روسیه زمام امور افغانستان را بدست گرفتند در سراسر کشورکسانی را درراس امور اداره قرار دادند که علناً وقصداً به توهین وبا اهمال ساختن اساسات ومقررات دین مبین

تسلیم ۱۰

برادران پولیس که گزیری جز تسلیم نداشتند ـ پیش قدم شدند ۰ درین لحظهٔ کوتاه اما پرثمر به این فکر افتادیم که دروازه عقبی ماموریت را که بخانه های کاه گلی متصل بود ، وبه کوچهٔ مندوی منتهی میشد بشکنیم ۰ این قدرت ایمان بود که ما راهنوز هم توان عمل میداد ۰ دروازه را بدون مشکلات شکستیم وازبین فیر های مسلسل قوای دولتی که درکوچه های عقبی سنگر گرفته بودند بسلامتی وخیریت گذشتیم ۰ ازهمکاری وهمبستگی مردم مؤمن وباشهامت چندداول همواره برخوردار بودیم ۰ ما را در بین خانه های خود و درکارخانه های خود پناه دادند وهمه خطرات را بجان خریدند ۰ سربام ها را قوای دولتی گرفته بود آنها درجستجوی ما بودند ۰ ما بعد ازوقفه های زیاد (تقریباً دوساعت) با اختیاط بسیار بدربی رسیدیم که به کوچهٔ مندوی بازمیشد ۰ درب را که آخرین امکان بود باز کردیم ودربین کتلهٔ مردم از انظار

خوانندگان گرامی !

به منظور خدمت در نشر ثقافت ، معارف و علوم اسلامی شورای ثقافتی جهاد افغانستان در سنبله سال ۱۳۶۲ در اسلام آباد تاسیس شد و برای تحقق یافتن این آرمان عالی بیاری خداوند متعال و همکاری هم میهنان عزیز در ساحات ذیل فعالیت مینماید :

تهیه کتب درسی و رهنمای معلم این کتب .

تهیه کتب ممد درسی بنام دانستنیها .

توضیح مطالبی از تاریخچه جهاد بنام رویدادها .

کوردلان ناپدید شدیم وآمدن ما مورد توجه کسی قرار نگرفت .

باالاخره همهٔ ما را با دیگر مردم دریک سرای تجارتی داخل کردند ودررا قفل کردند . بعد ازمدت نیم ساعت که فرصت برای مرتب ساختن لباس و شستن روی مساعد شده ما را پس ازتلاشی رها کردند . دراثراین قیام که اولین عملیه نظامی درکابل بود ، هزارها نفر ازمردم مومن ما را بدون تحقیق وبدون دلیل به شهادت رساندند که روح شان شاد ویاد شان گرامی باد . این جنایت این از خدا بیخبران در دنیا وآخرت بی جواب نمیمانند .



اسلام پرداختند . ازطرفی هم چون این اشخاص فاقد تعلیمات اساسی ، معلومات کافی وتجربه در امور اداره بودند ، آهسته امور را بسوی هرج ومرج وبی لجامی میکشانیدند .

چنانچه بیرک کارمل خود دراین مورد گفت :
« درسطوح مختلف اداره کشورآن تعداد اشخاص ماهر در اداره و صاحب تخصص که بتوانند صمیمیت شانرا به انقلاب با مهارت های حرفوی وتیوریك مزج نمایند وجود نداشت .»

مسکو که نقش رهبری کودتای ۷ ثور را بعهده داشت بدون شك میدانست که کمونست های افغانستان استعداد ولیاقت امورا داره کشوررا ندارند وبنابران یقین داشت پلان ۳ مبنی برمداخله مزید درتمام ساحات امور کشورمیسر میباشد . همین بود که درظرف سه ماه بعد از کودتا تعداد مشاورین نظامی روسی از ۳۵۰ تن به ۷۰۰ تن ارتقاء یافت . همچنین تعداد کثیری از " متخصصین " ملکی شوروی که پیش از کودتا درپروژه های مختلف در سراسر افغانستان کارمیکردند بکابل

احضار گرديدند تا به کمونستها ی محلی طرق تدوير امور را درورزارت ها بياموزانندوحتی خود ايشان امور وزارت ها را بعهده گيرند . چنانچه درهمين وقت کمونست های داخلی می گفتند درسفارت روسيه تشکيلات جداگانه برای اداره امور افغانستان بصورت يك کابينه منظم بميان آمده بود و هريك ازاعضای اين " کابينه " امور يك ياچند وزارت خانه وسائر موسسات دولتی را پيش ميبردند .

نظربه تشابهات لسانی در اول تاجيك های شوروی وغيره کسانيکه بزبان های افغانستان حرف ميزدند به نام مشاورين بداخل ارگانهای دولتی جا داده شدند ولی ازانجائيکه روسها درنهاد باين مردمان که اصل شان مسلمان بود اعتماد نميکردند ، بالتدريج ايشان رابا روسهای اصيل عوض کرده شده .

وسائل عمده ٔ ناکامی کمونستها حتی درمراحل اول دورهٔحکمروائی شان راميتوان درمواد ذيل خلاصه کرد :

۱ ـ با وجود ابلاغیه های مکرر شان که اساسات دین اسلام را درکشور احترام خواهند کرد درعمل هر حرکت عمده ٔ شان مناقض این اساسات واقع گردید ،
۲ـ اتکای عام وتام کمونستها برکمک های مالی و مفکوروی روسیه ،
۳ـ ایشان از عنعنات وواقعیت های زندگی مردم افغانستان مخصوصاً روستائیان فهم درستی نداشتند ،
٤ـ کمونست های داخلی از پروگرام دقیق وپلان شده ٔ روسها درمورد اجرای امور افغانستان اطلاعی نداشتند ،
۵ـ فساد درمیان کدر حزبی درمدت کوتاهی باوج خود رسید .
امضای آنچی بنام معاهده دوستی میان رژیم دست نشانده و روسیه در دسمبر ۱۹۷۸ بعمل آمد ، علناً ثابت ساخت که کمونست های داخلی از خود صلاحیتی برای پیشبرد امور کشورندارند . این رویداد های اسف انگیز دست بدست هم داده و سبب گردید تا ازطرف علمای افغانستان در

سراسر کشور فتوای جهاد صادر گردید . باثر این فتوی بود که مردم افغانستان بقیام های مسلحانه علیه رژیم ، دست نشانده کابل متوسل شدند . اگر چه درنقاط مختلف کشور ومخصوصاً درنورستان ولایت کنر، بدخشان ودره ٔ صوف ولایت سمنگان حتی درابتدای همین سالیکه رژیم کمونیزم در افغانستان روی کار آمد قیام هائی علیه آن صورت گرفت ، ولی قیام هرات بتاریخ ۲٤ حوت همین سال یک چرخش عظیم تاریخی را درپلان تهاجم روسیه برافغانستان بمیان اورد.

چنانچه ۹ ماه بعد ازان (٦ جدی ۱۳۵۸) روسها بگونه علنی وباسلاح مدرن مستقیماً برخاک افغانستان تجاوز بعمل آوردند . حکومت کابل بعوض اینکه ازاین قیام برتاکتیک های خود دربرابر مردم افغانستان تجدید نظر کند واقعه ٔ هرات را بحیث انگیزه ٔ برای پیروی از سیاست های مخاصمانه تر ووحشیانه تری علیه ٔ مردم مسلمان کشور بکار برد . وصرف ٦ روز بعد ازین قیام حفیظ الله امین که ممثل وحشت و اختناق این رژیم بود به قدرت بیشتری نائل گردید وبحیث صدراعظم تبارز

یافت .

واقعه چند اول ودیگر واقعات مماثل آنرا باید درپس منظر حقایقی بیان کرد که درفوق شمه ای ازآن بطور فشرده تقدیم گردید . پیش ازقیام چنداول نیز مسلمانان شهر کابل تحت رهنمایی یکعده تنظیم ها وشخصیتهای اسلامی دست به فعالیتهائی زدند که هدف آن از پا در آوردن نظام کفر والحاد بود .

یکی از برادرانیکه درین فعالیت ها وقیام چند اول دست داشت شرح این واقعات را به ترتیب ذیل بیان کرده است :

مسلمانان کابل بار اول روز ۲۶ حوت ۱۳۵۷ را به حیث " روز عملیات " علیه رژیم کمونیزم در کابل تعیین کردند .

او میگوید : برادران نظامی ما بسویه های مختلف از خورد ضابطان وافراد عسکری گرفته تا بسویه دگروال با این قیام ارتباط داشتند . پلان سرتاسری طوری طرح ریزی شده بود که اولاً بتاریخ معینه صاحب منصبان مسلمان ارتباطی عناصر ضد اسلام را درداخل

قطعات خود دستگیر نموده و از بین ببرند وبعداً جانب شهر حرکت نمایند تا با مردم درقیام سرتاسری همکاری ورزند وبدینگونه حکومت ملحد را سرنگون سازند. برای به ثمررساندن درست این قیام اسلامی مناطق شهر کابل دربین برادران تقسیم شده بود . و قرار براین شد که برادران موظف بساعت ۱۰ صبح همان روز بمناطق معین حاضر شده وهمزمان با اغاز پلان توسط برادران نظامی عملیات درتمام شهر کابل آغاز گردد .

او میگوید : شب قبل را درخانه یکی از مسلمانان مبارزسپری نموده ودرانجا قران مجید راختم کردیم فردا صبح بعداز مراسم دعا ، عازم محل ماموریتهای خود شدیم . اما یکی از صاحبمنصبان مسلمان ما را مانع شد زیرا این پلان عملیاتی افشاء شده بود و دولت درحدود ۵۰۰ نفر از برادران عسکری ما را در قطعات شان همان روز دستگیر کرد .

او میگوید با وجود ناکامی این پلان ما به طرح پلان دیگری

اقدام کردیم تا به اساس ان درحداقل جشن کمونستان را در ۷ ثور مختل سازیم ولی با تاسف صاحبمنصب ارتباطی ما دستگیر شد .

با تحمل این همه مشکلات وافشا شدن های پیاپی پلان های عملیاتی باز هم برادران مسلمان ارام ننشستند . دراین وقت ان ها با یکی از برادران مبارز بنام قاضی غلام سخی قرغزی که خود بنام جمعیت دفاع از اسلام عده از برادران مسلمان را بدور خود جمع کرده بود تماس قایم کردند . شهید قاضی قرغزی درزمینه سازمان دهی فعالیت خوبی نموده بود او با ولایات نیز ارتباط قایم کرده بود وصاحب تشکیلات مطمئن بود . او وهمکاران او طرح پلان وسیع نظامی را علیه حکومت کفر والحاد ریخته ویک شورای انقلابی راهم بمیان اورده بودند . اما یکی از اعضای شورا که از عمال دولت دست نشانده بود ، تمام جریان رابه دولت اطلاع میدهد وقاضی موصوف را باتمام افراد ارتباطی عسکری در روز معینه دستگیر میکنند .

بار دیگر با یکعده برادران دیگر تماس قایم کردیم.
که ازانجمله یکی هم مولوی شفیع اله بود.(۱)
درین مفاهمه برادران جمعیت اسلامی افغانستان
وحرکت انقلاب اسلامی نیز شامل بودند . برای آگاه
ساختن برادران به اینکه عملیات خود را آغاز کنند
میبا ئیست یك اعلان مفقودی ازطریق رادیو نشر میشد
واین کار صورت هم گرفت وهمزمان باان عملیات در
لوگر وده سبز اغاز یافته این قیام های پیا پی هر
کدام برای بیدار گردانیدن مردم اثرات مفیدی بجا
گذاشت . باطرح پلانهای متعدد وخنثی شدن انها
توسط دولت ، مسلمانان بفکر عملیات وسیعتر و
سازماندهی درست تری شدند تا بتوانند به موفقیت
چشم گیری نائل گردند واین پلان همانا قیام چنداول
بود .

درپلان قیام چند اول برادران حزب اسلامی

---

۱) قوماندان مولوی شفیع الله دراوائل امسال در
کوه صافی به شهادت رسید .



از نشرات شورای ثقافتی جهاد افغانستان

قیام چنداول

رویدادها

(۶)



دفتر شورای ثقافتی جهاد افغانستان

- این نشریه توسط اعضای شورای ثقافتی جهاد - افغانستان تهیه و نوشته شده است .
- تعداد چاپ ۱۰۰۰ نسخه
- چاپ اول
- شماره عمومی ۲۷
- شماره خصوصی ٦ (رویدادها)
- تاریخ چاپ سرطان ۱۳٦٤ بمناسبت ششمین سالگرد قیام چنداول

- قیمت یک جلد ۳ کلدار